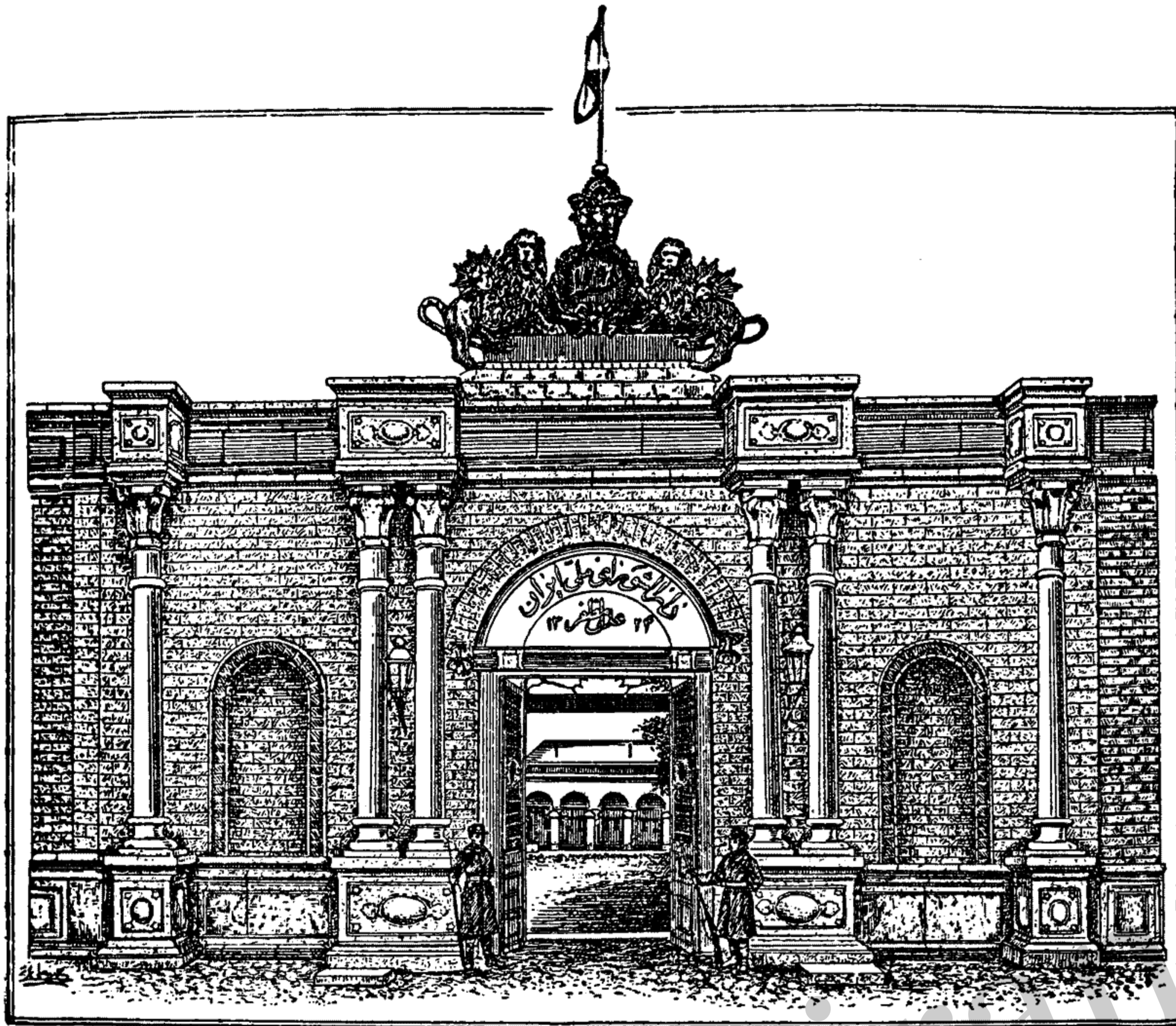


دوره ششم تقنینیه

| | | |
|--|---|---|
| <p>جلسه ۲۱۸</p> | <h1>مذاکرات مجلس</h1> | <p>شماره ۱۸۳</p> |
| <p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکه یك شنبه ۱۳ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p> | <p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p> | <p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p> |

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس لیلہ یک شنبہ ۱۳ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۸

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ریاست آقای
 ویرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس لیلہ پنجشنبه دهم اسفند
 را آقای نکمپان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جاسه قبل
 آقایان : اعتبار - نوبخت - حاج حسن آقا ملک -
 بحی خان زنگنه - میرزا احمد خان بدر
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

| ردیف | عنوان | از صفحه | الی صفحه |
|------|---|---------|----------|
| ۱ | سؤال آقای بامداد از آقای معاون وزارت فوائد عامه راجع به راه شیراز و جواب آقای معاون | ۲۸۲۲ | ۲۸۲۳ |
| ۲ | بقیه مذاکرات نسبت به لایحه اجازه پرداخت بودجه مملکتی در اسفندماه ۱۳۰۶ بر طبق تشخیص و تصویب کمیسیون بودجه و تصویب آن | ۲۸۲۴ | ۲۸۴۳ |
| ۳ | مذاکره نسبت به لایحه دولت راجع به پرداخت یک دوازدهم بودجه ها بابت مخارج مملکتی در بهمن ماه ۱۳۰۶ و تصویب آن | ۲۸۴۳ | ۲۸۴۴ |
| ۴ | قانون اجازه پرداخت یکدوازدهم بودجه ها و اعتبارات مصوب ۱۳۰۵ بابت مخارج مملکتی در بهمن ماه ۱۳۰۶ | ۲۸۴۴ | ۲۸۴۴ |
| ۵ | قانون بودجه سال ۱۳۰۶ مملکتی و اجازه پرداخت مخارج مملکتی بر طبق تشخیص کمیسیون بودجه در اسفندماه ۱۳۰۶ | ۲۸۴۴ | ۲۸۴۴ |

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - قوام شیرازی
مهدوی - میرزا حسنخان وثوق - محمود رضا - حاج
غلامحسین ملک

دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: فهیمی - عصر انقلاب - آیه الله زاده اصفهانی
دبر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: جلائی - دشتی

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد.

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

معاون وزارت فواید عامه - چند فقره لایحه است که تقدیم مجلس شورای ملی میشود اولی راجع با استخدام مسیو فن دم هاگن متخصص جنگل است لایحه دیگر راجع به تمدید امتیازی است که برای اتوبوس رانی داده شده بود حق تقدیمی بود که سابقاً داده شده بود حالا که وسائلش موجود شده و عنقریب حرکت میکند تقاضا کرده است ششماه دیگر تمدید داده شود این هم امتیاز راه آهن ما بین عبادان و محمره است که آقای موقرتقاضا کرده اند. این هم قانون جنگلها است که تهیه شده و تقدیم مجلس میشود برای تنسیقات جنگلی چون بودجه اداره راه آهن هذه السنه هم از کمیسیون بودجه نگذشته و بطور موقت حقوق اعضای که تا بحال کار کرده اند پیشنهادی است بمبلغ چهارده هزار تومان که بمجلس تقدیم شده.

رئیس - آقای بامداد از وزارت فواید عامه سؤالی داشتید مطلعشان کرده اید؟

بامداد - بله

رئیس - بفرمائید

بامداد - در فقره سؤال از وزارت فواید عامه کرده بودم یکیش راجع به راه شیراز است که حالا سؤال میکنم جواب که شنیدم اگر موقعش شد سؤال

دیگرم را عرض میکنم راه شیراز از اصفهان تا آباده راهی است خیلی خراب از آباده بشیراز باید در قاموس طرق و شوارع يك لغتی برایش پیدا کرد حاکم آباده با بست دولتی از شیراز برای آباده حرکت کرده است ده روز طول کشیده تا رسیده است شاید چهل و پنج شش فرسخ است. راه باس چمن که نقطه ایست با تلالی که اگر یکقدری باران بیشتر بیاید قابل عبور نیست. و برای مسافرن کاملاً اسباب زحمت فراهم نمیکند. سابقاً تکلیف مسافر معلوم بود با کجاوه و بالکی حرکت می کردند و البته لوازم زندگیشان را هم همراه داشتند ولی حالا تصور میکنند يك روزه میرسد تا آباده يك اسباب مخفی همراه بر میدارد آنوقت از باس چمن تا گردنه تولی کس توی برف میباید آنوقت تصور کنید چه وضعیتی است برای مسافر از شیراز تا بوشهر هم همینطور بدبختی ها برای مسافرن هست يك داستانی است که اگر يك نفر حاکی سرنویدی امیر لشگری باشد ممکن است بواسطه ایلات آنجا خودش را از هلاکت نجات بدهد ولی اگر مسافر عادی باشد نمیتواند اگر توانست و سلامت گذشت که يك عرضحالی بوزارتخانه یا بنامندگان میفرستد و الا خیر همانجا میمیرد. برای استحضار خاطر آقای معاون عرض میکنم که يك پلی است در روی رود خانه قره قباچ که مرحوم مشیر پیشکار فارس يك راهی ساخته شخصاً برای خیرات يك پلی روی این رودخانه ساخته است که قریب بیست هزار تومان خرجش شده است يك دهنه این پل خراب شده دو سال است میسازند هیجده هزار تومان هم خرجش کرده اند امسال هم آنرا آب برده شما اگر از روی قانون و تقسیم که از باج راهها برام میرسد از اینجا تا بوشهر را يك شاه جاده بزرگ و يك معبر تجاری فرض میکنید اقلاً يك سهمی به او بدهید آخر هزار تومان بودجه آنهم خرج برسنل شدن البته همین وضعیت تولید میشود خدا میداند هر جائی که در این راه دست بهش نخورده است

خوبست ولی جاهائی که دست خورده ابتدا قابل عبور نیست. يك پل کرده هائی اسمش پل کرده است از پل خان تا رزقان چون فاضل آب برنج کاری آنجا را مسیل میکنند آمده اند گویا مرحوم الله وردی خان یا امام قلی خان پسر او آمده است و يك برجستگی با سنک و ساروج درست کرده و اسمش پل کرده شده است وقتی که اینجا را آب بگیرد از روی او میشود عبور کرد. مهندس شما برای اینکه دو اتومبیل وقتی که بهم میرسند نمیتوانند عبور کنند آمده و راه را برگردانده است تمام راه را خاک ریخته برای اینکه بعد سنک برزد آنوقت چرخ اتومبیل هم البته اینها را صاف و محکم می کند خاکی ریخته شده است آنوقت اتومبیل در موقع عبور نیم ذرع سه چارک توی گل می نشیند شاید هم بعرضتان رسیده باشد زیرا بعضی ها هستند که مستقیماً مینویسند اگر بعرضتان رسیده چه اقدام کرده اید و گرنه حالا بفرمائید چه اقدام خواهید کرد

معاون وزارت فواید عامه - راجع به قسمت راه شیراز به اصفهان البته خود حضرتعالی میدانید و سایر آقایان هم میدانند که راه اساسی در آنجا ساخته نشده است و ما هنوز يك بودجه کاملی نداشته ایم که بتوانیم راه اصفهان به شیراز را بسازیم از سنه ۱۳۰۵ به بعد شروع کرده اند و در يك نقاطی که سخت تر بوده يك عملیاتی می کنند ولی البته همینقدر که يك قسمتش خاکریزی شده پول رسیده است که سنک ریزی نکرده اند و برای سال آتی اول بهار اعتبار داده میشود و سنک ریزی خواهند کرد و اینرا نمیشود توقع داشت که ما با يك بودجه کمی نتوانیم راه اصفهان بشیراز را مثل شوسه از اینجا تا قزوین یا نقاطی که هر کیلومترش هزار تومان دو هزار تومان خرج دارد بکنیم مابین اصفهان و شیراز تقریباً هفتاد کرور پول لازم دارد که آنجا را هم مثل سایر شوسه ها بکنیم و هنوز همچو بودجه نداریم که این کار را بکنیم البته سعی میکنیم که قسمت هائی که خال ریزی کرده اند

برای سال آتی تکمیل کنیم و سعی می کنیم که در ۱۳۰۷ مبلغی را برای راه شیراز به بوشهر تخصیص بدهیم که نواقص را تکمیل کنیم و البته این يك راهی است که تکمیلش خیلی خرج دارد زیرا راهی است که برای راد آهن ساخته میشود و خیلی سخت است و بسته بودجه اش است که ما بتوانیم با این قسمت تخصیص بدهیم و همینطور که آقایان متوجهند البته بایستی بطور الاهم فلاحه ساختمان راهها بشود زیرا تقدیری که اهمیت داده میشود برای اینها به قم و قزوین نمیتوان همان اندازه اهمیت داد برای اصفهان بشیراز یا از شیراز به بوشهر البته راهها هر قدر کم عرض تر و نزدیکتر باشد خرجش هم کمتر میشود و در بیست فرسخ راه وقتی که پنجاه هزار تومان خرج کنید بهتر ساخته میشود تا اینکه بیست هزار تومان خرج کنید. البته اگر آن پولی که داده شده بمصرف نرسیده باشد مؤاخذه کرد و تحقیق کرد مقتض فرستاد و دید که خرج نشده یا اینکه مختصری که داده شده مصرف شده و تکمیل نشده و همین تذکر حضرتعالی را آقای آقا سید یعقوب هم در کمیسیون بودجه دادند و ایشان هم میخواستند سؤال کنند عرض کردم خود وزارت فواید عامه هم در نظر دارد که حتماً در بودجه ۱۳۰۷ برای آن قسمت يك بودجه منظور کند که بتواند این نواقص را که امسال دارد و اسباب زحمت مردم است رفع کند

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این جواب ها را بنده میدانم و همه هم میدانند ایشان نمیگویند که ما متعمداً نکرديم حالا هم استدعا میکنم که شما پیشنهاد کنید کمیسیون بودجه که تصویب میکنند مجلس هم تصویب میکند آن قسمتی که از این قانون به فارس میرسد او را پیشنهاد بفرمائید و اطمینان بدهید که از سال آتی اقلاً شروع میشود که مردم اینطور گرفتار نباشند ما هم حرفی نداریم

وزیر داخله - بنده تقاضا دارم خبر کمیسیون داخله

راجع به قانون سجل احوال جزو دستور جلسه آتیه شود.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس -- ماده واحده راجع به بودجه کل مطرح

است. آقای استرآبادی

استرآبادی -- در جلسه سابق آقای وزیر مالیه دو فقره لایحه بمجلس آوردند یکی راجع به پرداخت حقوق بهمن بود یکی دیگر راجع به اسفند بود و بر حسب قاعده میبایستی راجع به بهمن پیش افتاده باشد بنده خواستم تقاضا کنم که چون ماه رمضان است و حقوق مستخدمین وزارتخانه ها عقب افتاده است آقای وزیر مالیه هم موافقت بفرمایند که اول مخارج بهمن مطرح شود.

وزیر مالیه -- آقا درست میفرمایند بنده دو لایحه تقدیم کردم یکی يك دوازدهم روی مأخذ ۱۳۰۴ و اضافات مصوبه بعد مطابق دوازدهم های دیگر برای بهمن و يك ماده هم برای پرداخت اسفند ولی راجع باسفند چون قبلا مطرح شده و مذاکرات کافی شده و اغلب پیشنهادات خواننده شده و بنده گمان میکنم که دیگر طولی نداشته باشد بنده نمیدانم چرا میل دارند که ما حالا این کار را ناقص بگذاریم و کار دیگری شروع کنیم آقا که میل دارند در اینموقع حقوق مستخدمین زود تر داده شود باید سعی کنند که همین امشب انشاء الله هر دو بگذرد که بند هر دو ماه را با هم بهشان بدهم بنده خودم ساعی هستم که برای قبل از عید بلکه قبل از بیستم رمضان که مصادف با ایام مبارکه خواهد بود این دو دوازدهم پرداخته شود پس استدعا میکنم آقا هم موافقت بفرمایند که زود تر و بدون حوائثی هر دو فقره تصویب شود

استرآبادی -- بنده هم موافقت میکنم و مقصودم این بود که زود تر حقوق مستخدمین داد شود بنا بر این استرداد میکنم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم مخارج مملکتی مطابق مواد تبصره تنظیم

شده کمیسیون بودجه بمصرف خواهد رسید

آقا سید یعقوب -- بنده گمان میکنم این مسئله را که عرض کردم يك مسئله فوق العاده نیست در واقع این ماده واحده که وزیر مالیه تقدیم مجلس کرده است و مجلس حالا رای میدهد اجازه مجلس است که مطابق بودجه که در کمیسیون هم گذشته است مجلس هم رای میدهد و در واقع این ماده پیشنهادی وزیر مالیه تصویب ماده اول و ماده دوم است ماده اول عوائد مملکتی بوده ماده دوم مخارج مملکتی بود که وزارت مالیه مجاز است از طرف مجلس که مطابق ماده دوم بودجه تفصیلی را بپردازد ولی این بودجه تفصیلی را پرداختن بیست و چهار ماده دیگر عقب سرش است مثل اینکه شما به ناظر خودتان میفرمائید این پول را خرج کن اما در تحت این مواد خرج کن این است که بنده عرض کردم حالا لایحه بودجه کل خدمت همه آقایان هست يك موادی دارد که دولت باید مطابق آن مواد این بودجه را بپردازد نه اینکه دولت مجاز است که مطلقاً بپردازد مطابق آن مواد باید بپردازد این بود که اول هم به آقای وزیر عرض کردم فرمودند بعد از آنکه این ماده تصویب شد این پیشنهاد داده شود بنده خواستم عرض کنم که کاملاً مطمئن باشند که اکثریت مجلس بلکه قریب به اتفاق موافق است با ماده شما و رای میدهد بنده که بیش از يك ورقه نمیتوانم بدهم و الا اگر میتوانم دو ورقه هم میدادم اما شما هم بدانید که مطابق این مواد باید بپردازید نه اینکه مطلقاً بپردازید

وزیر مالیه -- آقای آقا سید یعقوب نظرشان این است که مواد قانون بودجه بهمان ترتیبی که ماده اول و دومش مربوط بعوائد و مخارج مملکتی است و بموجب این ماده واحده تصویب و اجرا میشود آن مواد دیگری هم که مربوط به قانون بودجه است آنها هم مطابق تصویب کمیسیون اجرا شود

قبلا هم بنا بنده مذاکره کردند اینسکه عرض کردم صبر کنید بعد از تصویب این ماده این مطلب طرح شود برای این است که ما در این ماده نوشته ایم (مطابق قانون استخدام و مطابق قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین) یعنی کلیه قوانین موجوده نسخ نشده راجع به پرداخت خرج و جمع حاکم است بر طرز اجرای این ماده واحده که آقایان تصویب میفرمایند تا وقتی که آن مواد جدید را با این طرز که آقا میفرمایند یعنی مطابق رای کمیسیون یا آنطوریکه بنده مابالم مجلس تصویب کنند و گمان میکنم آقا هم با بنده موافقت بفرمایند که این مواد بعد مطرح شود و ماده بماده مذاکره شود چون تا وقتیکه اینها تکلیفش معین نشده مواد قانون بودجه ۳۰۴ که يك قانون مصوب است باید حاکم بر طرز اجرا و پرداخت باشد. ملاحظه میفرمائید که همانطور که ماده يك و دو یعنی ماده جمع و خرج قانون بودجه ۱۳۰۴ دیگر ببرد امروز نمیخورد این مواد هم درش يك تجدید نظر هائی باید بشود در کمیسیون يك چیز هائی تصویب شده ولی يك مواد دیگری هم بعد دولت پیشنهاد کرده که هنوز در کمیسیون بحث نشده و بعضی از موادش قابل بحث و مطالعه است به این ملاحظه بنده تقاضا میکنم آقایان این تبصره را پس بگیرند این ماده تصویب میشود و قانون فعلی این پرداخت مواد موجوده سابق خواهد بود بعد یکی یکی آن مواد را مطرح میکنیم وقتی که آن مواد تصویب شد قائم مقام آن مواد سابق میشود و آنها نقض میشود ولی تا وقتی که آنها نقض نشده بجای خودش باقی است

آقا سید یعقوب -- بنده باید بعرض برسانم که اینطور

رئیس -- میخواهید پس بگیرید یا رای بگیریم؟

آقا سید یعقوب -- خیر نمیخواهم پس بگیرم.

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً بشرح سابق

خواننده شد)

رئیس -- رای میگیریم باین پیشنهاد آقایان موافقین

قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد می کنم که بودجه اسفند آنچه را که کمیسیون بودجه کسر کرده است مطابق همان کسر بپردازند و آنچه که اضافه شده بماند تا در مجلس مطرح شود

فیروز آبادی -- بنده چون نظر دارم که انشاء الله این وجوهاتی که از ملت گرفته میشود بمصرف خود آنها برسد و خرج اداری بعضی ترتیبات دیگر نشود این است که این پیشنهاد را کردم که آنچه را که کمیسیون بودجه کسر کرده بجهت ماه اسفند موافق همان کسر بپردازند اما آنچه که اضافه شده و در کمیسیون تصویب شده تا تصویب مجلس رسد داده نشود اگر چنانچه مجلس اجازه داد آن اضافات را هم بپردازند و اگر اجازه ندهند باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم انشاء الله آقایان هم موافقت میفرمایند و رای میدهند

رئیس -- آقای رفیع

رفیع -- درست فرمایش آقا نؤمن ببعض و نکفر ببعض بود اگر چنانچه آقا کمیسیون بودجه را کمیسیون عملی میدانند و معتقدند که کمیسیون مخارج را خوب کسر کرده است بالاخره آقا هم بایستی موافق باشند و آنچه را که کمیسیون تصویب کرده رای بدهند و آنچه را که کمیسیون تصویب نکرده آقا هم رای ندهند بالاخره دولت يك مخارجی را پیشنهاد کرده است و کمیسیون هم موافقت کرده است و بایستی موافقت فرمایند

رئیس -- رای میگیریم به این پیشنهاد آقایان

موافقین! قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای استرابادی

پیشنهاد میکنم با حذف يك رقم از سمت یمن قرآن تبدیل بتومان شود

رئیس - بفرمائید

استرابادی - بنده تصور میکنم که این توضیحات زیادی لازم ندارد واحد مقیاس مملکت ما تومان است اولاً به قاعدهٔ اعشاری قرآن يك عشر تومان است وقتی که بنا شد يك بودجه یا لایحه قرآن نداشته باشد همان تومان را مینویسند و اگر چنانچه قرآن یعنی اعشار داشته باشد بتوسط قرآن آن اعشار تمیز داده میشود و بعلاوه واحد را قرآن قرار دادن يك رقم خیلی زیادی است که تولید زحمت هم میکند و بنده تصور میکنم که واحد ما باید تومان باشد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اصلاً آقای استرابادی باید متوجه باشند ما باید يك حسابی را داشته باشیم که زبان خودمان نزدیکتر باشد تومان يك لغتی است که مال ما نیست بعضی از نمایندگان - (باهمه) قرآن هم مال ما نیست

عراقی - ما هر چه واحد مان را کوچک قرار دهیم برای ما بهتر است بنا بر این این پیشنهاد موردی ندارد

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

پیشنهاد آقای استرابادی

بنده پیشنهاد میکنم از بودجه تفصیلی وزارت معارف صفحه ۱۱۸ از اعانه های مدارس قلم هشت شصت تومان اعانه مدرسه موسیقی حذف شود و نیز از صفحه

۱۷۷ بودجه مدارس ولایات از مدرسه ویشگاه ماهی بیست و سه تومان اعتبار کلاس موسیقی حذف شود استرابادی - بنده قبل از اینکه داخل موضوع پیشنهاد خودم بشوم ناچارم عرض کنم از وقتی که من افتخار عضویت مجلس شورای ملی را دارم هر وقت که صحبت در موضوع بودجه میشد (در اینموقع عده از نمایندگان از مجلس خارج شدند)

یک نفر از نمایندگان - اکثریت نیست

مدرس - ملائکه حاضرند حرفتان را نزنید

استرابادی - بودجه بطریق ماده واحد به مجلس آمده گرچه یکی از آقایان هم فرمودند که اکثریت حاکم است بنده هم تصدیق میکنم که اکثریت حاکم است ولی اقلیتی در مجلس نیست و تصور نمیکند اساساً کسی با بودجه مخالف باشد بنده خودم هم مخالف نیستم و کاملاً موافقم گرچه يك اشکال مختصری هست و او کسری است که کمیسیون بودجه در نظر گرفته و اسباب این شده که آقای وزیر مالیه مجبور شده و در اینموقع ماه رمضان يك عده را از مالیه خارج کرده اند اینها يك حرفهائی است که سر جای خودش باشد چیزی را که بنده لازم میدانم عرض کنم از نقطه نظر وظیفه و کالتی بلکه وظیفهٔ دیانتی این است که ما باید بفهمیم این پول ها از کجا گرفته میشود و به چه مصرف خرج میشود معلوم است که هر يك تومان از این پولها مال يك بیچاره رعیتی است که با هزار خون جگر ده تومان تهیه میکند و يك نومانش را مالیات میدهد و این را باید هر يك از آقایان نمایندگان مواظب باشند که این وجه بمصرف خودش برسد و بنده چون خیلی علاقمند بمعارف بودم (مثل همه آقایان بودجه های تفصیلی را غالباً نگاه میکردم) و فقط بودجه معارف را بیشتر دقت و مطالعه کردم آن هم يك چند صفحه اش را و بيك اقلامی رسیدم که در پیشنهاد خودم عرض کرده ام

در قسمت اعانه مدارس در قلم هشت شصت تومان بعنوان کمک خرج مدرسه موسیقی نوشته شده است روحی - لا اله الا اله

استرابادی صفحه اش را نشان میدهم صفحه ۱۱۸ قلم هشت شصت تومان اعانه مدرسه موسیقی . اگر بنا است رعایت بشود در مال ملت من هر چه فکر میکنم که اعانه مدرسه موسیقی را در تحت چه عنوانی ما میتوانیم تصویب کنیم نمی دانم؟ مدرسه موسیقی را يك قدری که فارسیش کنیم یعنی يك محلی که در آنجا تار میزنند ساز میزنند

(همه هم نمایندگان)

روحی - مال قشون است . قشون با چه راه برود؟ استرابادی - مال قشون نیست . بعد بیائید جواب بدهید . راجع به قشون مدرسه موزیک است که جزو بودجه قشونی است و بنده هیچ مخالف نیستم زیرا راجع به تخریبات قشونی و چه و چه است ولی این مدرسه شخصی است . مسئله قشون و اداری و نظامی نیست يك مدرسه ایست که يك آدم مستقلی باز کرده و سالی شصت تومان به آن اعانه داده میشود و بنده هیچ تصور نمیکند که این پیشنهاد بنده محتاج به رأی باشد زیرا یکی از آن حرف هائی را که آقای مدرس فرمودند بنده اینجا عرض میکنم مدرس - من سر رشته ندارم .

استرابادی - و آن این است که صریحاً عرض میکنم اعانه بمدرسه موسیقی بطور مسلم خلاف شرع است و مجلس باید مطابق قانون اساسی آنچه را تصویب میکند موافق قوانین شرعی باشد . مدرسه موسیقی مخالف قوانین شرعی است و دولت حق ندارد باین مدرسه کمک بدهد و مجلس هم نباید به اسم مدرسه موسیقی قلمی تصویب کند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(چند نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای محدولی میرزا .

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میدارم مبلغ ده هزار تومان از قلم مخارج کل کسر شود

رئیس - آقای محدولی میرزا

محدولی میرزا - پیشنهادی را که بنده تقدیم کرده ام راجع به تعمیر است که ضرورت پیدا کرده و مربوط به سد رودخانه ایست که در شهر تبریز است و جمعی را گرفتار زحمت و مخاطره نموده ولی بعد از توضیحاتی که آقای وزیر مالیه در اینجا دادند دیگر مورد ندارد و مسترد میدارم .

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(بمضمون ذیل خوانده شد)

اصلاح تبصره ۲ بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف را برترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم :

تبصره ۲ - صرفه جوئی های بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف باستثنای مفاد تبصره يك و همچنین به استثنای عواید اختصاصی بمدرسه صنعتی فارس آنچه زائد بر شانزده هزار تومان بودجه مصوب آن مدرسه است و نیز عواید ۱۳۰۵ و صرفه جوئی های ۱۳۰۶ همان مدرسه که باید در ۱۳۰۷ بمصرف مخارج غیر ثابت و تکمیل مدرسه مزبور رسد الخ

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - توضیح زیادی در اینجا لازم نیست در ضمن تشکر از معارف بروری و موافقت تام اعضاء محترم کمیسیون بودجه عرض میکنم این مدرسه صنعتی فارس که ذکر شده است چون ماخذ عوایدش فقط در سال ۱۳۰۶ است و سال هزار و سیصد و شش هم که هنوز تمام نشده است بنده يك کلمه در تبصره ۲ بودجه وزارت

معارف علاوه کردم که اگر عوائد مدرسه صنعتی فارس علاوه بر شانزده هزار تومان چیزی داشته باشد بخودش بدهند که بمصرف خود مدرسه برسد و تکمیل شود و ماخذ بودجه مدرسه در سنوات بعد معلوم شود.

رفیع - اجازه میفرمائید؟

وزیر مالیه - بودجه که در کمیسیون بودجه گذشته است تبصره هائی دارد و تمام آن تبصره ها لازم و ملزوم آن بودجه است بعقیده بنده اگر بنا باشد در مجلس بخواهند تبصره ها را بعضی دون بعضی مذا کرده و اصلاح کنیم تولید زحمت میکند الا این تبصره را با این اصلاحی که اقامه خواهند بکنند بنده نمیدانم باید قبول کنم یا رد کنم زیرا مطلبی است محتاج بمطالعه آن موقعی هم که در کمیسیون بودجه مطرح فرمودند بنده نبودم و از مذاکرات هم اطلاع ندارم باینملاحظه بنده تصور میکنم بهتر این است که این تبصره را که آقای ضیاء میخواهند این جا پیشنهاد و اصلاح کنند این را پس بگیرند و بگذارند تبصره ها مهان ترتیبی که در کمیسیون بودجه تصویب شده است باشد و اگر هم اصلاحی در تبصره در نظر دارند چون تبصره است و در اصل مبلغ تفاوتی نمیکند بنده باز در کمیسیون بودجه حاضر می شوم و در آنجا مذاکره می کنیم و باین شکل یا شکل دیگری که مقصود حاصل شود تنظیم می کنیم چون در اصل مقصود اختلافی نیست و تبصره ها راجع بطرز عمل است باین ملاحظه بنده تصور می کنم که اصلاح شقوق این ترتیب باشد که این بطور کلی بهم نخورد

ضیاء - با این طوری که می فرمایند در کمیسیون مورد مطالعه قرار میدهند بنده مستزاد می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(بترتیب ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

تبصره - بوزارت مالیه اجازه داده میشود از محل صرفه جوئی بودجه وزارت خانه مربوطه مبلغی معادل

حقوق يك ماهه بعنوان عیدی بمستخدمین جزء سربائی وزارتخانهها و ادارات دولتی و مدارس و سایر مؤسسات دولتی اعم از مرکز و ایالات و ولایات پردازد

احتشام زاده - بنده وقتی که این پیشنهاد را تقدیم کردم نظرم می آمد

رئیس - آقا اجازه ندادم خودتان میدانید که پیشنهاد خرج است

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم بوجه وزارت جنگ استثناء شود

رئیس - بفرمائید

مدرس - مقدمه اگرچه این حق را ندارم ولی از باب اینکه من قصور در بیان دارم از باب جرائد که عرایض من را مینویسند چون من تصور در بیان دارم روزنامه ها را هم پر فراغت ندارم بخوانم متصل از ولایات بمن مینویسند که شما چرا همچو گفتید. البته چون من خودم معترفم به قصور بیانم (این حق را ندارم) خواهش می کنم که اگر میل دارند نطق مرا در جرائد شان بنویسند از تند نویس ها بگیرند که موجب این نشود که هی بمن کاغذ بنویسند و مجبور شوم جواب بدم.

مسئله دیگر البته آقای مخبر ملتفت هستند که این پیشنهادهای زیاد که خیلی از آنها اساسی نیست منشا چیزی است که تمام دنیا فهمیده اند و گفته اند که باید بودجه چند ماه به آخر سال بیاید به مجلس و مطرح شود. این را همه فهمیده اند که چون بودجه مسئله مهمی است خوبست که چند ماه به آخر سال مانده بیاید و مطرح شود که در جزئیاتش صحبت شود که منتهی باین پیشنهاد هائی که می بینید نشود. بی مناسبت نیست عرض کنم هر که گریزد ز خراجات شاه بار کس غول بیابان شود. اگر مسئله بودجه درست

مطرح می شد شاید به مجلس دوم سوم چهارم پنجم ختم می شد. بعد از آن که آقای وزیر مالیه در ظرف ده دقیقه می خواهد بودجه را بگذرانند آنوقت کم کم این پیشنهاد ها منتهی میشود بموسیقی که تمیدانم لفظش یونانی است عربی است، عبری است، فارسی است، ترکی است که معنایش را نفهمیم که خوب است یا بد است. این پیشنهاد ها همه جهتش این است که خود بودجه را نیآورده اند اگر آورده بودند شاید در مجلس سه مجلس چهار مجلس پنج مجلس این مسئله حل میشد و این پیشنهاد های زیادی که کشف میکنند از این که هر کسی می خواهد يك انگشتی توبیش بکند نمشه

استرابادی - این پیشنهاد بنده برای انگشت کردن نبود.

مدرس - همه همین جور است. همه پیشنهاد ها بواسطه اینست که خود مسئله خوب مطرح نشده. اگر خود مسئله خوب مطرح میشد این جور نمیشد. حالا برویم وارد مطلب شویم: این پیشنهاد من که عرض کردم خوبست بودجه وزارت جنگ مجزا شود دو محل نداشت. یکی اینکه من با وزیر جنگ مخالفم، از این جهت با بودجه وزارت جنگ مخالفم بل بنده با وزیر جنگ مخالفم با وزیر مالیه، با وزیر پست و تلگراف با حاج رئیس الوزراء ولی این پیشنهاد نه بواسطه این است که با وزیر جنگ مخالفم (اگرچه ما وزیر جنگی نمی بینیم) فرق نمیکند پس این را کسی خیال نکند منشاء دیگر اینکه خصوص بودجه وزارت جنگ بودن مدخلیت در این پیشنهاد بنده ندارد این نکته نیست. این بودجه تفصیلی وزارت جنگ را زودتر از همه دادند من هم يك چند روزی حال نداشتم و در منزل فراغت داشتم این را از اول تا آخر مطالعه کردم. اگر يك بودجه دیگر را زودتر داده بودند حالا آن را استثناء میکردم. اما این را که سابق بر این دادند و من فراغت پیدا کردم و اول تا آخرش را مطالعه کردم

يك چیزهائی بنظرم آمد که مقتضی شد این چیز ها در مجلس مذاکره شود. حالا آقایان که آمده اند و بودجه را بر سبیل اجمال این جا آورده اند من نمیدانم باقی بودجه ها چه جور است، شاید بودجه های دیگر صد درجه عیبش بیش از این باشد. شاید هم بهتر باشد شاید هم مثل این باشد و البته اگر عرایض میکنم نه بواسطه این است که خواستم در پیشنهاد خیلی حرف بزنم از باب این است که يك مسئله باین بزرگی که مطرح شده البته يك چیزهائی باید ولو بر سبیل اشاره هم باشد صحبت بشود. آقایان هم رای بدهند مخالف بارای آقایان نیستیم آقایان هم رای بدهند. این را هم عرض کنم که من مرکز رسم نیست (کنام هم این است که قانون اساسی هم ندارد) که متعرض نطق وکیل دیگر شوم. ولی با آقای ثقة الاسلامی عرض کردم که بنظرم می آید این تشکری که کردید خیلی تشکر ساده بود و از شان پرسیدم شما از بروجرد بیرون رفته اید؟ لذا من میخواهم تشکر خودم را که عملی است بکنم. ما در يك موقعی با دوفتر از آقایانیکه اینجا حاضرند از بروجرد بیرون رفتیم و در عرض بکماه در این بیابانها و ایلات بودیم. من میخواهم تشکر را سی درجه بیشتر کنم. قوه امنیه مملکت مثل خون است در بدن. اگر خون بد باشد، عیب داشته باشد یا نباشد آدم میمیرد. بنده با مرحوم استرابادی که یکی از وکلاء محترم بودند (آقای آقا شیخ حسین استرابادی) با دوفتر کلاهی دیگر وارد اول خاک بروجرد شدیم. لرها از دور با دوربین دیدند دو نفر آخوند می آید، برف هم هست. خیال کردند که آخوند است بنا کردند به تیر انداختن هفت هشت گلوله انداختند بما ما گفتیم اعتنا نکنیم برویم. دیدیم خیر تیر می اندازند بواسطه اینکه آقای نصرت الدوله بما نگویند شما از وزارت جنگ سر رشته ندارید میخواهم به شان بگویم در همین وزارت جنگ باستانی چهار نفرشان من از همه شان عالمتر و عملی تر هستم خلاصه اینها بگمانشان ما آخوند هستیم

بنا کردند سه تیر انداختن. ما هم بنا کردیم به تیر انداختن. يك تفنگ کار حاج محمد تقی من داشتم که آقایان میدانند جلو گرفتیم و بنا کردم به تیر انداختن آنها دیدند آخوند جلو میآید و تیر می اندازد خاموش شدند از آن راه رد شدیم و رفتیم رسیدیم بار دو و بعد با اردو رفتیم بآنچائی که آقایان میدانند ببحوجه ایللیات است و بالاخره از دور رسیدند و در تنك زاهد مارا محاصره کردند و هشتاد شتر قورخانه بضر تفنگ از ما بردند حالا آقای آقا سید یعقوب میدانند چه جور بردند چون من تنقید نمیکنم از کسی... آقا سید یعقوب - برای تفنگ شما بود

مدرس - خیر به بینید کی داد. در همان خرم آباد ایل حسن وید روز روشن ریختند و سی و دو قاطر از ما بردند غرض این است که در این بیابانی که آقا فرمودند ما قطعه قطعه رفتیم، زدو خورد کردیم، شکست خوردیم، شکست دادیم. پس من که تشکر میکنم از روی چیز هائی است که دیده ام و یکماه زمستان در میان ایلات آنجا بوده ام. اما منافاتی با مسئله بودجه ندارد البته باید تشکر از قوه امنیه کرد ولی هیچ منافاتی با مسئله بودجه ندارد. این بودجه که من دیده ام بعقیده من اولاً این تشکیلاتی که توی این کتابچه است هیچ وزارتخانه ما این تشکیلات را ندارد. تشکیلات مرتب و منظمی است مثل يك کارخانه که وقتی موتورش را حرکت بدهید تمامش کار میکنند. نه وزارت مالیه اینطور است. نه وزارت معارف، نه وزارت داخله. حالا فکر کیست؟ کار نداریم. ما کار به فکر کننده اش نداریم. این تشکیلاتی که وزارت جنگ دارد تشکیلش وزارتی است که بنده بیشتر از شاهزاده نصره الدوله سردر میآورم این تشکیلاتی است که موتورش را که اینجا بگردانند تا آخر مملکت هر جا که هست کار میکنند و این معنی تشکیلات است نه مثل وزارت مالیه که امروز می آمدم دم دروازه دو سه نفر دور مرا گرفتند که آقا بی نان شدیم. پس اینرا بدانید

که من عن دلیل می گویم که این بهترین تشکیلات است فقط چیزی که بنظر آمد دو عیب دارد. دو اداره را ندارد و اگر این دو اداره را داشت بنده عقیده ام این است... نمیدانم چرا ندارد؟ یکی اداره هوا پیمائی را ندارد. این بودجه مال چهل سال بیست سال پیش از این است. بودجه وزارت جنگ باید امروز عمده اداره اش هوا پیمائی باشد. هر وزارتخانه بمقتضای روز است. این برای ده سال پیش از این خوب بود. برای بیست سال پیش از این خوب بود. اگر بودجه امنیه می نوشتید حق داشتید ولی وقتی بودجه وزارت جنگ می نویسید باید قسمت بزرگش هوا پیمائی باشد و ابدأ این بودجه آن قسمت را ندارد. دنیا می رود روی هوا پیمائی. باید نصف ثلث این بودجه خرج هوا پیمائی بشود. از حیث مدرسه اش. تحصیلش کار خانه اش و این نقص است، هر کس با من مدعی است هر که را می خواهد حکم کنند به بیند که این را من حق می گویم یا آن کسیکه این بودجه را نوشته است، امروز جزء عمده وزارت جنگ (نه امنیه اگر امنیه را بنویسید حق با شما است) اداره هوا پیمائی است اگر سالی يك کرور خرج این اداره کنیم مدرسه بیاوریم کار خانه و انائیبه و معلم بیاوریم قبول است، زیرا دنیا جنگش از زمین رفته است به هوا، اینها را ما پیش میدانستیم، هر چه میگفتیم ما بیشتر گفته اند که يك وقتی جنگ از زمین می رود به هوا میگفتند خیر آخوند ما از این چیزها خیلی میگویند مثل اینکه می گویند شراب بد است، این يك نقص نقص دیگر بعقیده من نقصی است که ما خودمان مبتلا شدیم و در مقام علاجش بر آمدیم ولی فرصت ندادند و آمدند ما را شکست دادند و متفرق شدیم و این بود که در جنگ مهاجرت (که وارد در خوب و بدش نمیشود چون رفیق دارم) ما دیدیم همه روزه آدم کشته میشود مجروح میشود، دستش را گلوله میبرد گوشش عیب میکند

پایش عیب میکند. گفتیم بابا باید يك قانونی برای این ها نوشت زیرا اینها خودشان آمده اند و حالا خوب باید آمده اند این جا کشته میشوند ناقص میشوند در کرمانشاه گفتیم يك قانونی باید بنویسیم گفتند چه قانونی بنویسیم؟ گفتیم آن قانونی که خدا نوشته است ما برداشتیم يك موادی نوشتیم که هر کسی صدمه خورد و در مریضخانه بجای رفش نشد اگر ناقص شد پول همان نقص را باید بهش داد مثلاً گوشش عیب کرد. گوش در شرع مقدس ما قیمت دارد بحساب نقره سیصد تومان میشود دماغش کج شد قیمت دارد در شرع ما اگر دماغ کج شد باید ثلث قیمتش را داد و هکذا دست و پا حتی يك توتولی ما اصفهانی ها توتولی میگوئیم آن چیز هائی است که روی دست در میآید گلوله برد در شرع مقدس ما حکم و قیمت دارد. برداشتیم يك همچو قانونی نوشتیم از سر تا پا اگر کسی مبتلا بیکی از اینها شد از خزانه وزارت جنگ پولش را بهش بدهند اگر کشته شد دیه اش را دو ساله بورئه قانونیش بدهند. يك همچو قانونی نوشتیم منتها قشون ها آمدند آقای حاج امین التجار هم بودند (در رفتیم (خنده نمایندگان) و قانون همین طور ماند ولی این تشکیلات این قسمت را ندارد که اگر يك کسی رفت و دستش را گلوله برد چه باید کرد؟ چند وقت پیش يك کسی آمد پیش من دستش گلوله خورده بود فرستادمش خدمت آقا (اشاره به آقای نفة الاسلام) که يك خرجی بهش بدهد بود این تشکیلات این قانون را ندارد و نقصش این قانون است خصوص در بلاد اسلام چرا؟ اگر آمد فقط اداء وظیفه خود را بکند (خطاب بوزیر مالیه) خواهش دارم شاهزاده چیز ننویسید. هر چه بنویسید نامربوط میشود...

(خنده نمایندگان)

وزیر مالیه - بیک قدری رعایت تراکت را بفرمائید شوخی جا دارد

مدرس - بنده میگویم اگر می رود اجرا وظیفه بکند

اگر مرد اگر هم کشته شد (بفهمید چه میگویم) یعنی اگر رفت جنگ با خارجه و کشته شد فداست وظیفه خود را ادا کرده ولی اگر خیر رفت بجبهت اداری وظیفه مملکتی و تنظیمات و ترتیبات آن اگر دستش را گلوله برد پول دستش را از خزانه عمومی از خزانه وزارت جنگ باو بدهید...

رئیس - آقای مدرس

مدرس - اگر مسئله پیشنهاد را میفرمائید بنده در بودجه با اجازه آقایان حرف میزنم اگر آقایان اجازه نمیدهند همین جا قطعش میکنم

باسائی - بفرمائید آقا

بعضی از نمایندگان - بفرمائید

مدرس - بجهت اینکه قبلاً عرض کردم که چون بودجه است مجبورم اینجا عرابضی بکنم. رضایت آقایان عرض میکنم اگر آقایان میگویند ماده شصت و سه میگوید در پیشنهاد کم بگوئید که من را منصرف کنید از عرضم پیشنهاد غیر از این است. اگر آقایان اجازه نمی دهند عرض نمیکنم؟

بعضی از نمایندگان - بفرمائید

باسائی - بفرمائید آقا در مملکت احتیاجات خیلی زیاد است

مدرس - عرض کنم این بودجه بیست کروری صد هزار تومانش باید خرج آن کار بشود. برای این قبیل اشخاص که ناقص میشوند يك همچو بودجه لازم است شما میفرمائید لازم نیست عرض نمیکنم؟

عمادی - خیلی چیزها لازم است

مدرس - میفرمائید چه؟

عمادی - خیلی چیزهای دیگر هم که در شرع است همینطور است

مدرس - خواهش دارم آقا سه چیز است که عمر را تمام میکنند یکی جهل است

خلق الانسان ظلوماً جهولاً

یکی کذب است که انسان آن چیزی را که خلاف عقیده اش است بگوید. این هم عمر را تمام میکند از تمام اینها بدتر این است که اسمش را بگذاریم حیا یعنی من يك چیزی را بگویم که خودم معتقد نیاشم و بدانم که شما هم معتقد نیستید و خجالت نکشم و بگویم. من يك چیز خلاف واقع نمیگویم میگویم اگر يك چنین چیزی شما در وزارت جنگتان بگذارید که اگر کسی ناقص شد يك پولی باو بدهید که زندگی نکند از اهم امور است نمیخواهید؟ نگذارید، برای من عزایی ندارد. وقتی که دستش را گلوله برد می آید این جا پنج هزار من پنج هزار او بهش میدهم. اما این نمک این وزارت جنگ است. نمک این بودجه است. میخواستم بگویم ما اینها را بلدیم که نگویند دیدیم و نفهمیدیم. حالا وارد در بودجه میشویم. اینها مقدمه بود. این بودجه که تقریباً با خرج شاگردان نظامی که به اروپا فرستاده میشود که مجزا کرده اند و با اجازه که لوازم این وزارتخانه (از اسلحه و غیر اسلحه) که وارد میشود خرج نداشته باشد از قبیل دوا و لوازمات دیگر تقریباً بالغ بر ده میلیون میشود. از بیست و چهار میلیون عایدی مملکت ما ده میلیون خرج این وزارت جنگ میشود. من نسبت بسابق صحبتی ندارم پنج سال است که این بودجه گرفته شده و البته انشاء الله خرج شده است اگر خرج شده خیلی خوب و اگر خرج نشده من بشما میگویم مال عموم هیچ جا نمیرود. انشاء الله الرحمن شاید در مرکز وزارت جنگ باشد. محل احتیاجش است بنده وارد گذشته میشوم و از حالا ببعنوان میگویم این بودجه را البته کمسیون بودجه مطالعه کرده است اما يك غلط دارد اگر گفتند کدام است بنده تصدیق دارم که مطالعه کرده اند، عرض میشود که از اول تا آخر این بودجه جمع که میزند از افراد صاحب منصب و افراد اداری و نابین تقریباً عده اش به چهل هزار نفر میرسد، این مال آدمش است حیوان سیزده هزار است از اسب و قاطر

سواری و کاری و بار کش، من مخارج یکی یکی اینها را میخواستم میگویم کم است نمیگویم بدست بجهت اینکه میدانم نه تفتیش کرده ام نه من بلدم آقا سید یعقوب - مطمئن هستم مدرس - قسم آقا سید یعقوب - قسم هم میخورم مدرس - قسم با مدعی نیست با منکر است اگر قسم با مدعی بود من قسم میخوردم من میگویم يك تفتیش خرجی وزیر مالیه کرده است برای این کار؟ تفتیش این کارشان هم مثل باقی کارهای دولت میباشد. فقط خیابان لاله زار است و بس. اگر این شاهزاده نصره الدوله از پدرش برسیده بود میدانست بودجه را چه جور بنویسد برای اینکه خودش غیر از خیابان لاله زار را ندیده. حالا میخواستم و مدال میدادم که تمام چیزها را موافق طهران نوشته اند. نوشته است این چهل هزار نفر هر یک نفری خرجش این است. مثلاً رختخواب هر فردی سالی چهار تومان... عمادی - زیاد است؟ مدرس - شما رختخواب پارسالتان را دارید؟ من بخدمت رختخواب پنج سال پیشم را دارم... رفیع - آقا سفر میروند. این حرفها چه چیز است؟! مجلس جای این حرفها نیست! مدرس - سفر هم رفته ام. خواهش دارم بعد پشت تریبون بفرمائید بنده که تعرض بکسی ندارم. قبلاً هم عرض کردم با آقایان که اگر نمیخواهید عرضی نمیکنم... رفیع - خیر من اصلاً نمیخواهم گوشم این حرفها را بشنود مدرس - برو بیرون... رفیع - تو برو بیرون مدرس - من چرا بروم؟ روی چه قانون؟ به چه قانون؟ رفیع - به قانون فساد. این حرفها زمینده فساد است

(همهمه نمایندگان - صدای زنك رئیس)

مدرس - من فساد میکنم؟

رفیع - بجدت فساد میکنی

(همهمه و صدای زنك طولانی)

مدرس - جدم بکمرت بزند

نمیخواهید نمیگویم. خیلی منت میگذارم که برایتان

بگویم نمیخواهید نمیگویم

آقا سید یعقوب - نمیخواهیم

مدرس - من مامورم باینکه بگویم

(صدای زنك)

رئیس - برای همین بود که ماده ۶۳ را تذکر

دادم.

(در اینموقع آقای رئیس از جای خود حرکت نموده

جلسه تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل

گردید)

رئیس - آقای مدرس

مدرس - اولاً بنده همیشه میدانم که در پیشنهاد

مها امکان باید کم حرف زد ولی چون کان میگردم يك

مطالب مهمی هست که باید خدمت آقایان عرض کنم

استجازه کردم و آقایان هم اجازه دادند. و عرضی عرض

کردم متأسفانه و بد مختانه اول حرفمان که بلخاف رسید

چهل هزار لطف آقایان از میدان در رفتند. حالا

اگر نمیخواهند باقیش را نمیگویم چون آنوقت هم با اجازه

آقایان گفتم ولی در این ضمن آقای وزیر مالیه گویا در

ضمن صحبت بنده يك لفظی گفتم که ایشان برایشان

ناگوار شد اولاً من اهل تنقید نیستم نه غیبا نه حضورا

و انشاء الله الرحمن ملول نشدند و اگر میخواهند رفع

ملاطشان بشود بنده از شان میپرسم مهمل از چه ماده

است؟ اگر این ماده را معنی حقیقیش را گفتند تصدیق

دارم که ملاطشان بجا است و الا تصدیق ندارم بجهت اینکه

مهمل در شرع ما اثر ندارد

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ بنده اگر ملاطی

دارم از يك عبارتی که تکرارش را هم زائد میدانم (رای اینکه ناسی بمقابل میشود) نیست. بنده خیلی میل دارم هر تنقیدی میشود (از هر کس و از هر چیزی میخواهد بشود) این تنقید بصورت جدی بشود. این تنقید مبنی بر يك اصول مرتب علمی یا عملی باشد. از اینکه آقای مدرس اینجا بفرمائید که بنده اگر هم چیزی بگویم نامربوط خواهد بود و بعد فراموش کنند و نخواهند آرایا کلمه مهمل یا امثال اصلاح کنند تفاوتی بحال بنده نمیکنند. از نقطه نظر خصوصی اگر باشد؟ بنده خیلی سابقه دارم بطرز صحبت و مذاکره ایشان و میدانم که ایشان در بعضی مواقع بالفاطی که اظهار میکنند اصلانه تنها قائل و معتقد نیستند بلکه خودشان هم بآن اهمیت نمی دهند ولیکن صحبت در مجلس شورای ملی در موضوع بودجه است و ناطق محترم هم یکی از وکلای مبرز ما هستند. این مذاکرات و این حرفها هم متأسفانه نه در چهار دیوار این اطاق باقی نمیماند از اینجا تجاوز میکند بملک ایران، و مملکت ایران و بالاخره از سرحد های ما خارج میشود...

مدرس - آنها میدانند.

وزیر مالیه - بنده میل ندارم که اینطور در انتظار

جلوه کند که ما مبانی مذاکرات و مبانی صحبتها مان

بر روی يك اصول جدی نیست و مسئله خصوصی و شخصی

را بنده هیچ اهمیت نمیدهم. تعقیب هم نمیکنم. آقام

اگر اظهاری نمیکردند بنده يك کلمه هم حرف نمیزد

اگر هم يك کلمه بخوام بکنم یا کلمه مند باشم این کلمه را میبایست

از حضرت آقای رئیس مجلس بکنم که در آنوقت بر حسب

نظامنامه ایشان میبایستی بناطق محترم اخطار بفرمایند

مدرس - اقلیت توی گوش وزیر میزند

وزیر مالیه - ولی چون میدانم که آقای رئیس هم

در این موقع میل و سلیقه شان این است که قضایا را

سهلتر کنند و پیچیده تر نکنند از این نظر بود که این

توجه را فرمودند نه از روی نظر دیگری باری تشکر

عملی یا علمی از کار هائی که شده است این محتاج بذکر نیست پیدا و روشن است و تمام مردم دنیا و يك مملکتی هر روز آنها را می بینند هیچ محتاج بگفتن نیست محتاج بتکرار نیست تنقیدش ، ردش ، حتی تصدیقش که بنده بکنم هیچ فرقی برای آن حقیقت واقع نمیکند خود بنده چند روز قبل از این جا با اتومبیل خود بادو توشم از اینجا رفتم ناگهان و از کاشکان هم بر کشم هر روز مهندسین ما در همان راه خرم آبادی که آقا اظهار میکردند و شرح مسافرت خودشان را میدادند رفت و آمد میکنند بنده هم مکرر آنجا رفته ام و با همه آنها تیکه در مهاجرت با مهاجرین آشنائی پیدا کرده اند بنده هم آشنائی دارم ، در تمام آن نقاط هر کس می رود و می آید و هر کاری دارد انجام میدهد و عوض التماس و درخواست و آن معاهده که آقایان مهاجرین آنوقت میکردند . آقایان آقا سید یعقوب و حاج امین التجار خاطرشان هست که سفارت کبرای مرحوم سردار محی معاهده کرده بودید که از تنگ رازان و تنگ زاهد ردان کنند و بعد از آن معاهده آمدند لختان کردند حالا تمام مردم بدون مذاکره و التماس میروند و میآیند و آنجا هائی هم که بعضی اشرار هستند توپ است و تفنگ است که صدا میکند و آنها را مغلوب می کند این قسمت را هم که فرمودند بنده اطلاع ندارم و ایشان اطلاع دارند و چطور اطلاع دارند . بنده این را عیب نمیدانم . من یکی از اشخاصی هستم که معتقدم اول حسن و اول تکلیف يك آدم عاقلی این است که اگر چیزی را نمیداند بگوید نمیدانم اگر يك چیزی را نمیفهمد بگوید نمی فهمم اگر بنا شد يك چیزی را انسان ندانست و خواست حتماً بگوید میدانم این همان جهل مرکب است پس این که اگر بنده بگویم نمی دانم یا اگر یکی از آقایان بگویم که در این قسمت جناب عالی اطلاع ندارید این عیبی ندارد بالاخره هر کس که نمیتواند در هر کاری اطلاعی داشته باشد بنده آقای

مدرس را با تمام فرمایشاتی که فرمودند هیچوجه من الوجوه در هیچکدام از رشته های مربوط به تفنگ و جنگ و وزارت جنگ مطلع و بصیر و با خبر نمیدانم مدرس - بجهت اینکه تو خیابان لاله زار را فقط دیده .

وزیر مالیه - تفنگ حاج محمدتقی داشتن و انداختن یا نینداختن هم هیچ فرقی با اطلاع و بصیرت نسبت بقشون و نظام نمیکند زیرا اگر اینطور باشد همان لر تفنگ را بهتر از همه ماها بغل میگیرد و خیلی هم خوب جنگ میکند ای کاش همه افراد ما جنگی میشدند مثل آنها و بسیار مردمان حقیقه خوب و با هوش هستند و بهترین افراد آتیة مملکت ما قطعاً آنها خواهند بود پس در اینصورت بنده تکرار عرض خودم را نمیخواهم بکنم و نقض يك حرفها و مذاکرانی که در اینجا شد بطور کلی بیوجه است مربوط بحقایق اولیه است این ها را البته بنده ملتفت هستم آقایان هم ملتفت هستند که وقتی که طرح میشود قضاوتشان را از روی خبروت میکنند . هوا پیهائی و اظهاراتی که امروز یکی از بزرگترین ارکان قشون و نظام دنیا است و چرا در این بودجه نیست این يك چیزی است که هیچ زحمتی ندارد پیدا کردنش و هیچ زحمتی هم ندارد گفتنش اما زحمتش کجاست ؟ زحمت در این است که آدم اگر آزاروی این ورقه نمی بیند برود قلعه مرغی و خودش را بیند هوا پیهائی نظامی شما چند سال هستند ؟ هوا پیهائی نظامی شما چندین صد مرتبه از این کوههای لرستان عبور کرده اند و بانظر و بر گشته اند در تمام زوایای آنجا با شرار بمب انداخته اند . آقای آقا شیخ عبدالرحمن شما نمیدانید؟ . . .

آقا شیخ عبدالرحمن - چرا

وزیر مالیه - کجا ها مانده که نرفته اند ؟ اما هوا پیهائی و خیلی چیزهای دیگر نمکن میخواهد . پول می

خواهد این بودجه که ملاحظه میفرمائید از صرفه جوئیهای این بودجه که روی پایه و اساس ۳۰۴ است و در آن موقع هنوز هوا پیهائی در بعضی جاها دایر نبود هوا پیهائی را برای شما دایر کرده اند و برای اینکه این کار تکمیل شود در سال پنج ملیون خرج دارد . وقتی ما یولش را پیدا کردیم البته تکمیل میکنیم . حالا اظهار عقیده در اینکه اساس نظام و قشون اول باید روی هوا پیهائی باشد این تکلیف جنابعالی نیست که این حرف را بزنید این را بروید از آنهاست که در این امر اطلاع و بصیرت دارند بپرسید و به بینید چه جور قضاوت میکنند این را بروید از رفیق مسافرت خودتان در لرستان از سرتیب شیبانی بپرسید ، بروید از آن صاحب منصب های تربیب شده مدارس ، جنگ دیده ، اروپا رفته ، عمل کرده بپرسید و بفهمید که شاید آنها هم عقیده شان این است (و حق هم با آنها است) که در این مملکت ما اول نباید همه پولها را خرج هوا پیهائی کرد و از چیزهای دیگر کاست ممالکی که خرج هوا پیهائی زیاد میکنند دو قسم است یا مثل ممالک اروپا هستند که میلیونها و میلیاردها خرج میکنند برای نظامشان آنوقت البته سعی میکنند میلیونها از مخارجشان بکاهند و برای هوا پیهائی مصرف کنند یا يك ممالکی هستند مثل عراق که استقلال ندارند و نمیتوانند قشون پیاده و سواره و افرادی و مملکتی آنطور بیکه میخواهند داشته باشند و يك کسی دیگر آمده در آن مملکت و میخواهد آنها را حفظ و اداره کند باچه اداره میکند باصدنا آبرویلان . شما هیچ کدام از این دو تا نیستید دوامش نیستید الحمد لله . اولیش را هم صبر میکنیم انشاء الله الرحمن وقتی آن نمکن را پیدا کردیم همان کارها خواهیم کرد

مدرس - مصطفی کمال پاشا هم مثل شما بود

وزیر مالیه - امروز هوا پیهائی از برای مملکت ما هنوز يك چیزی است که نمیشود گفت از ضروریات اولیه است بنده این را از روی عقیده خودم نمیگویم

همانطور که شما نمی فهمید بنده هم نمی فهمم . آنهاست که خبره هستند گفته اند و من از آن ها شنیده ام و اینجا تکرار میکنم و شما مجبورید قبول کنید . اگر خودتان هم نخواهید طبیعت شما را مجبور میکند که در هر فنی مقهور ذی فنش باشید همان طور که هر وقت شما يك مسئله فقهی بگوئید من تسلیم میشوم مدرس - اینهم فقهی است .

وزیر مالیه - فقهی نیست این فقهی را نگاه دارید

حالا باشد

مدرس - نگاه بطرفم میکنم

وزیر مالیه - حالا میرویم سر تشکیلات . به بینیم تشکیلات قشونی ما چطور است ؟ این که میفرمائید اعتبار باید پیش بینی شود که اگر کسی عضوش از بین رفت با فلانطور شد آنرا چطور جبران کنند

عمادی - در قانون استخدام هست

وزیر مالیه - در همه جا هست منتها هر چیزی در هر موقعی صورتش فرق میکند ، طرز عملش فرق میکند ، امروز اولاً این فکر باید در دماغ همه ما موجود باشد که سرنازی و خدمت نظامی مثل عهد قدیمه و قرون سابقه مسئله مزدوری نیست ، وظیفه وطنی است و این وظیفه وطنی نسبت بدشمن و نسبت بمخالف با اصول و قانون و نظم در مملکت هیچ فرق نمیکند دشمن میخواهد خارج میخواهد داخل باشد . . .

مدرس - خیر فرق دارد .

وزیر مالیه - هر کس بر علیه اصول قانونی و حکومت و قوانین ملی ما قیام کند همانطور که در قوانین موضوعه ما هم این مطلب هست او را بایستی بکنفر دشمن ما تلقی کنیم . بایستی با آن دشمن با همان حس فداکاری که با دشمن خارجی دعوی میکنیم دعوی کنیم . . .

مدرس - خلاف اصل این ملت است

وزیر مالیه - پس از نقطه نظر اصولی باید این محرز باشد که سرناز ما و نظام امروزه ما مزدور نیست

با این حال ملل متمدنه و کلیه مهالکی که همه چیزشان اداره شده و در تحت اداره میآید آنها چه جور این قبیل مسائل را جبران میکنند؟ يك راههای معینی دارد. معالجه است، محافظت است، حقوق تفاعد دادن است، اولادش را نگاهداشتن است و اینها هم باز مطابق رقی و تعالی ما در خط ثروتمند شدن و بیشتر ثروت پیدا کردن و اینها باید تکمیل شود. ما همه چیزمان را يك مرتبه نمیتوانیم درست کنیم. بریشب در اینجا عرض کردم (در موقعی که اشاره بجواب يك ناطق محترم دیگری می کردم) که ما پرگرام و نقشه اولیه مان یعنی نقطه اولیه هر نقشه که امروز ما هنوز در آن نقطه اولیه هستیم مسئله بقامت نا وقتی که این مسئله محکم و محرز نشده تمام آداب و تشریفات دیگر در آن موقع مثل يك چیز نجمی است که باید برور ما آنها را درك کنیم ولی اول چیزی را که ما بایستی حفظ کنیم برای خودمان و اول نقطه پرگراممان در هر چیز مسئله بقاء است و در این قسمت اولیه هر کدام از ماها بهر مخاطره ای و بهر بدبختی و فلاکتی، هر کس میخواهد باشد، متنفذ باشد، نظامی باشد، وکیل باشد یا وزیر، همه ماها باید تن در دهیم برای اینکه اصل اولیه را نگاه کنیم تا بعد برور تمام مابانی محکمه و صحیحه تکمیل شود و آنوقت چیزهایی که امروز بنظر ما نجمی میآید بنظر ما تشریفاتی میآید آروز از لوازم و ضروریات خواهد بود این نکته که در اینجا ذکر شد در جاهای دیگر هم ملحوظ است ولی همینطور که عرض کردم درجات دارد ما امروز يك درجه تقریباً نزدیک بخونی را (نمیتوانم عرض کنم خونی را) طی کرده ایم ولی برای تکمیل آنها باید منتظر وقت شد بایستی صبر کرد ما باید همه عوض اینکه تنقید کنیم عوض اینکه تضعیف کنیم عوض اینکه اگر يك روحی امروز در مملکت ما پیدا شده که این روح را در عمر خودمان ندیده ایم و آنها هم که از ما معمرتر بودند ندیده بودند صد سال پیش از این و دوست سال پیش از این را که من میدانم چه صورتی داشته ولی آن روح

سلحشوری که امروز در افراد نظامی ما پیدا شده عوض اینکه این روح را تکمیل کنیم، تقویت کنیم، تعظیمش کنیم، تکریمش کنیم، تا آن مرحله بقاراطی کنیم و برسیم بمقصود و عوض اینکه مسئله رختخواب و لحاف و اینها را بگوئیم بایستی فکر کرد و دید چه جور ما میخواهیم افرادمان را تربیت کنیم؟ تشکیلاتمان روی چه پایه و چه اساسی است؟ ممکن است که سربازهای ما نظامهای مامثل نظامهای قبل که دیدیم مثلاً پیش از کرده شان هم بالا برو دریشا را هم هیچوقت نتراشند یا اینکه کلاهشان بوق باشد یا اینکه اگر سفر میکنند يك عبا داشته باشند یا يك لحاف داشته باشند که وقتی مسافرت میکنند توی برف کولشان بگیرند یا روی سرشان ببندازند روز از برف و باران حفظشان کند شب هم روی خودشان ببندازند و بخوابند. این يك قسم تشکیلات دادن وعده نگاهداشتن است. البته اگر روی این اصل برویم و آقا این اصل را تجویز میکنند...

مدرس - خیر

وزیر مالیه - سالی چهار تومان نمیشود. سالی يك تومان هم نمیشود ولیکن ما در مملکت خودمان روی این اصل نمیرویم. ما میخواهیم در مملکتان روی روی آن اصلی که شبیه بشویم بهمه مردم دنیا. یعنی سعی کنیم. حالاهم نمیتوانیم بشویم. صریح اینجا عرض میکنم. نمیتوانیم بشویم ما هر قدر بخوایم خودمان را بکشیم برای يك نفر نظامی و سرباز از هیچ حیث حالاً نمیتوانیم سربازمان را مثل سایرین نگاه داریم - این ارقام حاضر است، مقایسه میخواهد شما نگاه کنید ببینید سرباز انگلیسی یا فرانسوی بکنفرش در سال چقدر خرج دارد؟ آنوقت این را تطبیق کنید بامبلغی که دولت برای بکنفر سرباز خود خرج میکند این را مقایسه کردید یا هم آن وقت ببینید تفاوتش چه چیز است ما هنوز بآن مرحله رسیده ایم ولی از امروز میخواهیم عادت بدهیم سربازانمان را که لحافشان پارچه نباشد. بایستی زیر

سری داشته باشند. رختخواب آنها باید عوض شود. شما حفظ الصحه سرباز را اگر ملاحظه کنید باید تمیزش نگاه دارید باید حمام برود خودش را بشوید شپش نباید داشته باشد کتافت نباید داشته باشد رختخوابش هم باید تمیز باشد شما حالاً سالی چهار تومان خرج میکنید سه سال دیگر پشت همین تریبون يك کسی را میبینید که از هشت تومان دفاع خواهد کرد و باید هم اینطور باشد شما تصور میکنید که چهل هزار عده نگاهداشتن با این پولها کار آسانی است؟ هیچ کار آسانی نیست شما حساب کنید به بیند چهل هزار نفر عده انگلیسی چقدر خرج دارد هیچ کار آسانی نیست اینکه بنده عرض میکنم باید به خبره رجوع کرد يك صاحبمنصبی را پیدا کنید اگر متأسفانه بعضیها پیدا شوند که نخواهند به صاحبمنصبهای هموطن خودشان اعتماد داشته باشند بروید از اجنبی بپرسید. من آقا چشم دارم! همه آقایان چشم دارند! واله بالله من برروز وقتی در خرم آباد بودم چهل روز توی شش هزار نفر عده زندگی کردم. این شش هزار نفر عده را که من بین آنها زندگی کردم لحاف و دوشک و حمام و همه چیزش را دیده ام. وقتی هم حرکت میکرد هر بانصد نفرش با هزارو بانصد دو هزار قاطر میرفت برای نقاط اردو کشی. مخصوصاً بنده متحیر بودم و اینرا برسمیدم که در این راههای تنگ و نرس کوهستانی من میخواهم ببینم شما این هزارو بانصد قاطر را چه جور حفظ میکنید برای اینکه از این قاطر اولی تا قاطر آخری که همه مجبورند مسلسل دنبال هم بروند بکیش يك قدری پائین تر برود میغلطد. این يك فرسخ و نیم دو فرسخ طولش میشود. شما اینها را چطور حفظ میکنید اینها را بنده رفته ام آنجا و دیده ام و با آنها حرف زده ام و حالا شما میگوییم این است وضعیت شما امروز و این وضعیت باید بهتر شود. این وضعیت را شما باید برای خودتان بخواید. آقایان این را باید روشن بفرمائید آقای تقی زاده همیشه از الامم فلامم صحبت میفرمایند

این حرف خیلی حسابی است ولی آن روز هم عرش کرده که ما هنوز بمرحله الامم فلامم نرسیده ایم و در مرحله بقاء هستیم. در همین حالی که هستیم ملاحظه بفرمائید چه چیز برای ما اهمیتش زیاد تر است ما باید این فکر را داشته باشیم که قشون از همه چیز در این مملکت مهم تر است فعلاً هم برای ما مدرسه نیست. معلم نیست بلکه قشون است (نماینده کان صحیح است) چرا؟ برای اینکه اول باید مملکت خودتان و استقلال خودتان را از دست دشمن خارجی که بصورت دشمن داخلی در میآید هزار مرتبه خطرناک تر از دشمن خارجی است باید حفظ کنید و بعد کارهای دیگر را شروع کنید حفظ مملکت بجه چیز صورت میگیرد. با سر نیزه و داشتن قشون است. صحیح است) این کار را سرنیزه می کنند کتاب. نه معلم. البته وقتی که اینکار درست شد و تمام نقاط مملکت باین وسیله مطیع شدند آن وقت هم مدرسه میتواند درست کرد و هم معلم حالا اگر بنا شود که شما يك عایدی مثلاً صد تومان داشته باشید و او را بخواید بین نظامی و قشون و معلم باین مدرسه و اداره و مستخدم خرج کنید کدام يك را ترجیح می دهید و اختیار می کنید؟ البته قشون را ترجیح میدید (صحیح است) برای اینکه ما تجربه داریم و دیده ایم که تا اینجسال، شش سال، پیش دشمن خارجی بلباس داخلی جاهل که بیچاره خودش هم نمیداند کی او را باین کار واداشته در میآید و تابشت دروازه شهر شما را می چابید (صحیح است) اینها يك چیزهایی است که در زندگانی تا این اواخر بوده، چرا ما باید این قدر فراموش کار باشیم؟! وقتی که این قضیه محرز شد هیچ زدید نیست که عوض ده ملیون پانزده ملیون باید خرج قشون کرد، و هر چه شما در در این مورد خرج کنید جای دوری نمیرود و اگر شما در يك مرحله دیگری غیر از این مرحله بودید البته این سیاست صدق نمیکرد،

مدرس - حالا هم صدق نمیکند

وزیر مالیه - اما امروز این سیاست صدق میکند برای اینکه شما اگر ده ملیون خرج قشون میکنید و پشت همین تریبون بنده و جذابعالی افاده میکنیم از تصدق سر همین نظامی است که دارید و الا شما این بیست و پنج ملیون را از کجا می آورید که بودجه عمومی مملکت قرار دهید و بمالوه مخارج راه سازی را بدهید و مقدار معتناهی را بطور اختصاص برای راه آهن - تخصیص بدهید؟ این پول را از کجا آورده اید؟! مگر در این مملکت اخیراً گنجی پیدا شده؟! بنده هر چه فکر می کنم هیچ وسیله نمی بینم مگر بواسطه امنیت این امنیت را در مملکت کی ایجاد کرده؟ سر ندره؟ (صحیح است) شما اگر معتقد نباشید که امروزه نصف عوایدتان را صرف سر ندره و قشون بکنید فردا اصلاً پنج ملیون عایدی هم پیدا نخواهید کرد که لوطی اجلافیش را بکنید پس حقایق را باید درست در مقابل چشم دید بنده نمیخواهم بیشتر از این در این قسمت داخل شوم و مسئله را تعقیب کنم ولی همینقدر خوشوقتم از اینکه اگر اظهارات آقای مدرس تضعیف کننده و کدر کننده بود ولی موافقت هائی که بعد آقایان باعراض بنده کردند کاملاً مسئله را جبره کرد و بر قلوب تمام افراد نظامی که این حرف ها را می شنوند مؤثر خواهد بود

رئیس - رأی میگیرم بپیشنهاد آقای مدرس

مدرس - اجازه میفرمائید سوء تعبیری شده که باید رفع کنم

رئیس - لازم است خدمت آقای مدرس عرض کنم که حضرت عالی بهیچوجه مراعات نظامنامه را نمیفرمائید و کار بنده را هم مشکل میکنید تقریباً ده برابر آنچه که باید بفرمائید در پیشنهاد مذاکره میفرمائید وبعلاوه نسبت با آقای وزیر مالیه يك چیزی فرمودید که مشمول ماده ۱۲۹

مدرس - خوب است بفرمائید

رئیس - بنده اخطار نکردم. بجهت این که آن لفظی که فرمودید از اخطار بیشتر مجازات داشت ولی چون در موضوع ماده ۶۳ اخطار کردم و آقایان موافقت نکردند این بود که بنده متعرض آن ماده نشدم حالا خواهش میکنم از اینموضوع صرف نظر بفرمائید زیرا ممکن است مذاکراتتان ادامه پیدا کند

مدرس - بنده سوء تفسیر آقای وزیر را خواستم رفع کنم زیرا ایشان قشون روی کاغذ را با قشون بیرون اشتباه کردند

رئیس - پیشنهاد آقای رفیع

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره پیشنهادی کمیسیون بودجه باین نحو اصلاح شود

تبصره - مستخدمین اداری حق تدریس موظفاً باستثناء مدارس عالی ندارند و وزارت مالیه مکلف است بهیچ عنوان در حقوق بیکنفر ندهد

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کردم يك پیشنهادی در کمیسیون بودجه شده بود بعنوان تبصره آقایان هم رای دادند بالاخره باینصورت در آمد و در نظر بود در موقعی که بودجه معارف مطرح میشود استدعا شود که این ترتیب باین شکل اصلاح شود. حالا چون بودجه بشکل ماده واحد به مجلس آمده استدعا دارم این طور اصلاح شود. اما مدارس عالی که مستثنی شده برای اینست که معلم نداریم و بعضی از آقایان مجبورند علاوه بر استخدامی که دارند در مدارس عالی هم با حقوق کم تدریس کنند زیرا اگر ما نخواهیم آنها را هم مستثنی کنیم آنوقت ناچاریم با حقوق عالی مثلاً سیصد تومان چهار صد تومان از خارجه معلم بیاوریم و این البته بضرر دولت است. از این جهت بنده در پیشنهاد

خودم مدارس عالی را که مدرسه طب و حقوق باشند مستثنی کردم.

وزیر مالیه - این پیشنهاد را بنده قبول میکنم و مخصوصاً تأیید هم میکنم. برای اینکه البته آقایان متوجهند که این مدارس عالی که امروزه ما داریم باید در آتیه يك اشخاصی را تربیت کنند که خودشان بتوانند در آنجا تدریس کنند از این جهت بنده کاملاً با این پیشنهاد موافقم.

رئیس - پیشنهاد آقای زعیم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مصارف اسفند ماه نیز مانند سایر شهرور هذه السنه از روي بودجه ۱۳۰۴ پرداخته شود

رئیس - آقای زعیم

زعیم - این پیشنهاد را بنده از دو نقطه نظر تقدیم کردم نظر اولم راجع باصل بودجه است در اینجا مکرر راجع با اهمیت بودجه و اینکه بودجه تفصیلی باید مجلس بیاید تا هر يك از آقایان نظریاتی که در اطراف آن دارند اظهار دارند صحبت و مذاکره شده و این البته برای این بوده که هر يك از آقایان نظریاتی که راجع به تشکیلات مملکتی و کلیات بودجه دارند اظهار بفرمایند و این کار نشده و يك دلیل مهم این مسئله همین مذاکراتی بود که الان در جریان بود و شاید قریب يك ساعت وقت مجلس را گرفت. آقای وزیر مالیه راجع بیک قسمت از بودجه وزارت جنگ در این جا توضیحاتی دادند و البته بودجه های دیگری هست که هر کدام از آنها لایق است که مدتها اطرافش مذاکره شود يك نظری در کار است و ان این است که آیا در مملکتی که یازده ملیون خرج تشکیلات قشون می شود به تناسب این مبلغ چقدر باید صرف معارفش بشود؟

راست است که سر نیزه محترم است. ولی معارف هم محترم است و باید بهمین نسبت معارف را هم ترقی

داد. این ها يك قضایا و نظریاتی است که در موقع بودجه باید مذاکره شود خلاصه این يك نظر بنده بود که عرض کردم و عقیده دارم حالا که یازده ماه از سال مطابق سنه ۱۳۰۴ پرداخته شده این يك ماهه هم همینطور پرداخته شود منتهی این بودجه که امسال در کمیسیون بودجه تنظیم شده ملاک و مدرک زمینه باشد برای مذاکرات در بودجه ۱۳۰۷ که بعد خواهد آمد و در اطراف آن مفصلاً مذاکره خواهد شد نظر دیگر بنده از این پیشنهاد این بود که بطوری که اخیراً بنده اطلاع پیدا کرده ام متجاوز از هفتصد هشتصد نفر از اعضاء وزارت مالیه را آقای وزیر مالیه بیکار کرده اند در صورتیکه در جلسه قبل در همین جا اظهار کردند این عده را که بیکار کرده ایم از اول فروردین با ادارات دیگر از قبیل ثبت اسناد و سجل احوال پذیرفته خواهند شد و بانجاها منتقل میشوند بنده نفهمیدم چرا با این علاقه که آقایان در تعمیم امنیت اظهار میدارند باین امر راضی شدند، خوب بود باین امنیت صوری که پیدا شده معنویت بدهیم (جمعی از نمایندگان - معنویت دارد) و طوری نکنیم که در این شب عید و ایام نوروز يك جمعیت کثیری برای يك تفاوت جزئی از کارشان محروم شوند بهتر این بود که این يك ماهه بانها مهلت داده میشد تا اول فروردین و آنوقت آنها را منتقل با ادارات دیگر میکردند، از این دو نقطه نظر بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم دیگر بسته بنظر آقایان است

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم در ضمن پیشنهادشان می خواهند تمام زحمات کمیسیون بودجه را محو کنند - این ماده واحد که در اینجا مطرح شد در اطرافش يك حرفهائی که بر خلاف نظریه و انتظار همه آقایان بود زده شد حتی نمایندگان مرکز هم حاضر نبودند که این حرف ها را بشنوند بالاخره پس از این همه مذاکرات دیگر مورد ندارد که باز بودجه بلا تکلیف بماند مستخدمینی هم که از مالیه بیرون رفته اند البته همه شان

نوکر و مستخدم این ملت و از اهل این مملکتند و برای آنها در ثبت اسناد و سجل احوال و سایر شعب کار پیدا خواهد شد و جای نگرانی و محتاج به توصیه شما نیست.

رئیس -- رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای روحی (بشرح آتی خوانده شد)
پیشنهاد میکنم که مدارس عالی نام برده شود نامورد اشکال در آتیه نشود

رئیس -- آقای روحی
روحی -- چون در مجلس اسمی از مدارس عالی برده شد نظر بنده این است که خوب است توضیح داده شود مدارس عالی کدامند تا فردا اسباب زحمت فراهم نشود و الا فردا تمام مدارس مدارس عالی قلمداد خواهند شد. بنده کاری باصل مطلب ندارم ولی غرضم این است حالا معلوم شود که مدرسه طب و مدرسه حقوق و مدرسه سیاسی یا فرضاً مدرسه فلاحت تجارت جزو مدارس عالی محسوب خواهند بود تا در آتیه تولید اشکال نکنند.

وزیر مالیه -- بنده از نماینده محترم تمنا دارم اجازه بدهند که ما در عرف اصطلاح و در زندگان خودمان کلماتی را که داریم و معانی که آنها دارند همینطور محفوظ بماند اگر يك وقت يك اشخاصی پیدا شده اند کلمات و الفاظ را از معانی خودشان منحرف کنند ربطی بموضوع ندارد و از آنها باید جلوگیری کرد نه اینکه ما حالا بیائیم و پایه و اساس مطلب را کج بگذاریم این خوب نیست مدارس و تمام دنیا يك معلومات و شرایط و مقرراتی دارد که مدارس ابتدائی و متوسطه ندارند. اگر شما فرض می کنید يك اشخاصی پیدا میشوند که

سوء استفاده از معانی کلمات میکنند و مدرسه متوسطه را بجای مدرسه عالی قلمداد می کنند البته ما نباید بگذاریم و این قید را هم از حالا نمیشود در باره مدارس عالی کرد زیرا اگر ما امروز يك مدرس عالی زیادی نداریم ممکن است فردا پیدا کنیم. و شاید مثلاً چندین مدرسه عالی از قبیل مدرسه مهندسی و غیره که حالا نداریم بعد پیدا کنیم از این جهت بنده از آقای روحی استدعا دارم پیشنهادشان را مسترد بدارند

روحی -- بنده مسترد میدارم
رئیس -- رای گرفته میشود بماده واحد...

وزیر مالیه -- يك اصلاح مختصری هست که بنده میخواهم از آقایان اعضاء محترم کمیسیون بودجه بخواهم که در این قسمت با بنده مساعدت فرمایند و از آنجا که همیشه با نهایت کشادروئی بودجه معارف را تلقی میکنند در این موقع هم که بنظر بنده يك ظلمی شده خوب است این را رفع و اصلاح فرمایند بنده تقاضای کمی هزار و دویست تومان بر بودجه معارف افزوده شود یعنی بر کل مبلغ مصوب کمیسیون باید افزوده شود و مجلس را هم از تفاوتی که در جمع و خرج حاصل میشود تأمین میکنم و این مبلغ هم راجع است به خرج تحصیل دو نفر پسر های آقای فرزند وزیر مختار ما در برلن. هیچ دلیل ندارد که این مخارجی را که همیشه داده میشد امروزه ما قطع کنیم. در کمیسیون بودجه هم گمان نمیکنم متعمداً این کار شده باشد. از این جهت بنده پیشنهاد میکنم این مبلغ هزار و دویست تومان بمبلغ مصوبه کمیسیون علاوه شود و این را هم توضیحاً عرض میکنم که اگر کمیسیون این تفاوت را برای يك محلی در نظر گرفته آن نظر تأمین میشود و محل نگرانی نیست.

مخبر -- بنده از طرف رفقا عرض میکنم در این موقعی که این قلم حذف شده شاید این نکته در نظر رفقا نبود که بازده ماه از سال این مبلغ پرداخته شده بعلاوه

یکسال دیگر بیشتر بانها هم دوره تحصیلات پسر های آقای فرزند باقی نمانده دولت هم چندین سال است که این خرج را کرده و این وجه را داده است و حالا موقع گرفتن نتیجه است از این جهت آقایان به بنده مأموریت میدهند که این تقاضا را قبول کنم.

رئیس -- رای گرفته میشود بماده واحد...
باسائلی اجازه میفرمائید.

رئیس -- بفرمائید
باسائلی -- يك پیشنهادی آقای استرآبادی کردند که در مجلس قابل توجه شد. چون حالا رای گرفته میشود نسبت بماده واحد باید رای قطعی نسبت بآن پیشنهاد گرفته شود و تکلیفش قبلاً معلوم شود. و بعد رای بماده بگیریم.

رئیس -- آن پیشنهاد قابل توجه شد. حالا باید رای قطعی بگیریم مگر این که تجزیه اش را تقاضا کنید.

وزیر مالیه -- اولاً بنده استدعا می کنم اگر نظامنامه اجازه میدهد آقای استرآبادی موافقت کنند و پیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند و اگر موافقت نمی کنند و نظامنامه هم اجازه نمیدهد از آقایان استدعا میکنم در موقع رای قطعی تجزیه فرمایند در موقعی که این پیشنهاد شد بنده در مجلس نبودم که توضیحات خودم را عرض کنم. واحد پول همیشه باید آن قسمت کوچک پول باشد. تومان ده قران است و بنا بر این از اضعاف پول ما محسوب و شمرده میشود گذشته از این اصولاً از نقطه نظر زندگان اقتصادی ما این مسئله يك تأثیر مهمی خواهد داشت. الان عادت ما بر این است که همیشه تومان بگوئیم و این بر سر زبانهای ما جاری است هنوز قران در ادارات ما کاملاً رسوخ پیدا نکرده و يك قسمت مهم از این عدم اهمیتی که ما بقران میدهیم برای همین عادت است مثلاً بجای صد تومان اگر بخوایم هزار

قران بادرعوض هزار تومان ده هزار قران تصویب کنیم بنظرمان مشکل تر میاید ولی بنده عقیده ام این است که ما باید سعی کنیم که این عادت خودمان را تغییر داده و واحد پول مان را قران قرار دهیم و همیشه با قران حساب کنیم باین ملاحظه بنده تقاضای تجزیه میکنم و از آقایان محترم تقاضا دارم باین پیشنهاد بنده موافقت نمایند.

رئیس -- ماده واحد را با اصلاحاتی که مورد قبول واقع شده عرض میکنم بدو رأی میگیریم بقیام و قعود و چون تقاضای تجزیه شده بعد رأی میگیریم با اوراق يك فقره پیشنهاد آقای بامداد و ملك مدنی است که قبول شده قرائت میشود (باین عبارت خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بر ماده اضافه شود، برعایت تبصره سوم بودجه معارف بامداد -- ملك مدنی -- خطیبی

وزیر مالیه -- بنده عرض کردم مقصود یکی است ولی باین ترتیبی که نوشته شده خوب نیست و مثل این است که باقی تبصره ها مصوب کمیسیون بودجه نباید رعایت شود در صورتیکه وقتی مجلس به بودجه رأی میدهد در واقع به بودجه با تبصره ها رأی میدهد حالا اگر آقایان می خواهند این در قانون باشد عین آن تبصره را بعنوان تبصره بخود ماده علاوه کنند

رئیس -- يك تبصره دیگری است بعنوان تبصره دوم قرائت میشود (این کیفیت خوانده شد)

تبصره دوم -- بودجه مؤسسات و حقوق مشاغل که از اعتبارات عوارض معارفی بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف منتقل گردیده است و همچنین حقوق و مصارف کلاهای جدید التأسیس از تاریخ انتقال و تاسیس پرداخت خواهد شد

رئیس -- پیشنهاد آقای حاج آقا رضا رفیع
(باین مضمون خوانده شد)

تبصره سوم -- مستخدمین اداره حق تدریس موظفاناً
(باستثنای مدارس عالی) ندارند و وزارت مالیه مکلف
است بهیچ عنوان دو حقوق بیک نفر ندهد

رئیس -- یکی هم پیشنهاد آقای شیروانی است
(باین شرح خوانده شد)

بجای رقم جمع باید رقم ذیل نوشته شود دوپست و
پنججاه و هشت ملیون و بیست و پنج هزار و هشتصد قران
شیروان -- این رقم خرج را بنده اصلاح کرده ام
وزیر مالیه -- بلی همینطور است
مخبر -- آن هزار و دوپست تومان هم که آقای وزیر
تقاضا کردند ضمیمه این مبلغ شده

رئیس -- ماده واحده قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده -- مجلس شورای منی عایدات مملکتی را
از بابت ۱۳۰۶ مطابق تشخیص بجزء کمیسیون بودجه
که بالغ بر مبلغ دوپست و پنججاه و هشت ملیون و
بیست و پنج هزار و هشتصد قران است تصویب و به
وزارت مالیه اجازه میدهد که حقوق و مصارف هذه السنه
وزارت خانها و ادارات دولتی و مستمریات و شهریه ها
و حقوق منتظرین خدمت و سایر مخارج مملکتی را بر
طبق بودجه های تفصیلی که در کمیسیون بودجه تصویب
شده و جمیع آن به دوپست و چهل يك ملیون و پانصد
و سی هزار و هشتصد و پانزده قران و ششصد دینار
بالغ میگردد با بر طبق قانون محاسبات عمومی و قانون
استخدام کشوری و سایر قوانین مربوطه در اسفند کار
سازی دارد

تبصره: -- مبلغ يك ملیون و صد و هشتاد هزار لیره از عایدات
۱۳۰۶ نفت جنوب در جزو عوائد ۱۳۰۷ منظور شده معادل
مبلغ پیش بینی شده در بودجه ۱۳۰۷ از این بابت از

رئیس -- رای گرفته میشود بفوریت . آقایانیکه تصویب
میکنند قیام فرمایند
(عده زیادی قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد . در اصل لایحه مخالفی نیست
بعضی از نمایندگان -- خیر

رئیس -- پس رای میگیریم با ورقه . آقایانیکه
موافقتند ورقه سفید و الا ورقه کبود خواهند داد
(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور
حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول هشتاد و شش

ورقه کبود -- علامت رد يك

اسامی موافقین

آقایان . نگهبان -- امیر اسد الله خان عامری -- دکتر
لقمان -- ملک آرائی -- عباس میرزا -- بالیزی -- پور تیمور --
فرشی -- ساکینیان -- عدل -- محمد ولی میرزا -- ارباب
کیخسرو -- معظمی -- میرزا حسن آبه الله زاده -- وزیر --
دکتر رفیع خان امین -- اسعد -- مفتی -- ابلخان --
طباطبائی دیبا -- زوار -- دهستانی -- روحی -- دکتر سنک --
فومنی -- ثقة الاسلامی -- وکیلی طباطبائی -- آقا علی زارع
ذوالقدر -- اسفندیاری -- دشتی -- خواجهی -- افسر --
عصر انقلاب -- آقا زاده سبزواری -- محمد آخوند -- صالحی
سید حسین آقایان -- جمشیدی -- یاسائی -- جلالی --
شریعت زاده -- مرتضی قلیخان بیات -- فرمند -- عراقی
موقر -- دیوان بیگی -- سلطان محمد خان عامری -- ابراهیمی
جهانشاهی -- اسکندری -- محقق -- خطیبی -- حاج آقا
رضا رفیع -- میرزا عبدالله خان وثوق -- شیروانی --
دولت شاهی -- میر ممتاز -- بهار -- حیدری سید یعقوب --
امام جمعه اهر -- ملک مدنی -- شیخ الاسلام ملازنی --
امامی -- ثقة الاسلام بروجردی -- بنی سلیمان -- عمادی
امام جمعه شیراز -- احتشامزاده -- کی استوان -- افخمی --
نجومی -- افشار -- طاهری -- مقدم -- مسعود -- سید کاظم --

خان امین -- جلالی -- حیدری -- زوار -- افشار -- حاج آقا رضا --
رفیع -- شیخ الاسلام ملازنی -- ابلخان -- موقر -- عباس میرزا
فومنی -- طباطبائی دیبا -- دکتر لقمان -- امام جمعه --
اهر -- ثقة الاسلام بروجردی -- بهار -- ثقة الاسلامی
معتمد التولیه -- بهبهانی -- سید یعقوب -- معظمی -- ملک
مدنی -- خطیبی -- عمادی -- فرمند -- جوانشیر -- عصر انقلاب
شیروانی -- عراقی -- امام جمعه شیراز -- کلالی -- دشتی
احتشامزاده -- کی استوان -- دادگر
مخالف آقای تقی زاده

رئیس -- عده حضار صد و سه . با نود و يك رای

تصویب شد

وزیر مالیه -- تقاضا میکنم -- يك دوازدهم بهمن هم
چون اتصال با این لایحه دارد مقرر فرمائید مطرح
شود .

جمعی از نمایندگان -- صحیح است

رئیس -- ماده واحده قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده -- وزارت مالیه مجاز است مخارج مملکتی
را بابت بهمن ماه ۱۳۰۶ بمیزان يك دوازدهم بودجه
ها و اعتبارات مصوب ۱۳۰۵ و بر طبق قوانینی که
شامل این قبیل پرداخت ها میشود رسم علی الحساب
بپردازد .

رئیس -- فوریتش مطرح است . آقای احتشامزاده

احتشام زاده -- موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده عرض دارم . دولت که تقاضای
فوریت نکرده .

وزیر مالیه -- چرا تقاضای فوریت شده

رئیس -- دیگر مخالفی نیست

جمعی از نمایندگان -- خیر

منابع عایدات ۱۳۰۶ برای مخارج مربوطه تخصیص داده میشود
 تبصره ۲ - بودجه مؤسسات و حقوق مشاغل که از اعتقادات عوارض معارفی به بودجه ۱۳۰۶ وزارت معارف منتقل گردیده است و همچنین حقوق و مصارف کلاس های جدید التاسیس از تاریخ انتقال و تاسیس پرداخت خواهد شد
 تبصره ۳ - مستخدمین اداری حق تدریس موظفاً (با استثناء مدارس عالی) ندارند و وزارت مالیه مکلف است بهیچ عنوان دو حقوق بیک نفر ندهد
 این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه ایله سیزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
 رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

حاج آقا حسین -- فهیمی -- دادگر -- حشمتی -- ضیاء --
 میرزا عبدالحسین -- حقنویس --
 ورقه کبود -- آقای تقی زاده
 رئیس -- عده حضار صد با هشتاد و شش رای
 تصویب شد
 جمعی از نمایندگان -- ختم جلسه
 رئیس -- آقای روحی راجع بلاوجه انوبوس رانی تقاضای
 دوفوریت کرده اند ولی چون آقای عمادی پیشنهاد ختم
 جلسه کرده اند میباید برای جلسه بعد
 بعضی از نمایندگان -- صحیح است
 (مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

قانون

اجازه پرداخت بودجه ها و اعتبارات مصوب ۱۳۰۵ بابت مخارج مملکتی

در بهمن ماه ۱۳۰۶

مصوب ایله سیزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی
 ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مخارج مملکتی را بابت بهمن ماه ۱۳۰۶ بجزانف يك دوازدهم بودجه ها و اعتبارات مصوبه ۱۳۰۵ و بر طبق قوانینی که شامل این قبیل پرداخت ها می شود به رسم علی الحساب بپردازد
 این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه ایله سیزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
 رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

قانون

بودجه سال ۱۳۰۶ مملکتی و اجازه پرداخت مخارج مملکتی بر طبق تشخیص

کمیسیون بودجه در اسفندماه ۱۳۰۶

مصوب ایله سیزدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و شش شمسی
 ماده واحده - مجلس شورای ملی عایدات مملکتی را از بابت ۱۳۰۶ مطابق تشخیص بجزء کمیسیون بودجه که بالغ بر مبلغ دو بیست و پنج و هشت میلیون و بیست و پنج هزار و هشتصد قران است تصویب و بوزارت مالیه اجازه میدهد که حقوق و مصارف هذه السنه وزارتخانهها و ادارات دولتی و مستمریات و شهریه ها و حقوق منتظرین خدمت و سایر مخارج مملکتی را بر طبق بودجه های تفصیلی که در کمیسیون بودجه تصویب شده و جمع آن دو بیست و چهار و يك میلیون پانصد و چهل دو هزار و هشتصد و پانزده قران و ششصد دینار بالغ میگردد با تطبیق قانون محاسبات عمومی و قانون استخدام کشوری و سایر قوانین مربوطه در اسفند ماه کار سازی دارد.

تبصره ۱ - مبلغ يك ملیون و صد و هشتاد هزار لیره از عایدات ۱۳۰۶ فقط جنوب در جزء عوائد سنه ۱۳۰۷ منظور شده و معادل مبلغ پیش بینی شده در بودجه ۱۳۰۶ از این بابت از محل اضافه وصولی و سایر